Archive of SID

فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی - پژوهشی
سال چهارم – شماره دوم – تابستان ۱۳۹۰- شمارهٔ پیاپی ۱۲

تصویر قهرمان- زن در داستانهای عاشقانه منظوم فارسی با تکیه بر منظومه‌های لیلی و مجنون

(ص۴۰۳ - ۳۸۷)

بهناز پیامنی[۱]

تاریخ دریافت مقاله :۸۹/۹/۲۸
تاریخ پذیرش قطعی :۹۰/۲/۱۴

چکیده:

درمنظومه های غنایی، زنان یکی از ارکان پایدار وتاثیرگذارند بطوری که براحتی توان تغییر روند داستان را دارند. آشنایی با جلوه‌های مختلف شخصیت ایشان موجب آگاهی هرچه بیشتر از جریان قصه خواهد شد ترسیم سیمای قهرمان – زن در داستانهای عاشقانه به کمک رنگ، واژه وتصویر – که خود از صنایع ادبی شکل میگیرد- از دیرباز در ادب فارسی وجود داشته است. بطوری که با مطالعه نوع گفتار، شخصیت و منش ایشان درجریان داستان میتوان به میزان تاثیر گذاری آنها بر سایر نقش آفرینان پی برد.

در این پژوهش از سه منظر یاد شده به شخصیت لیلی درمنظومه لیلی ومجنون به عنوان بخش کوچکی از ادب غنایی خواهیم پرداخت تا طرحی روشن از قهرمان – زن درداستانهای عاشقانه منظوم – اگرچه مختصر- ارائه گردد. رنگهایی که در توصیف قهرمان مورد نظر به کار رفته اند جنبه های مختلف وجودی او مثل پایداری در رابطه عاشقانه، تلخ مزاجی، غرور زنانه، نفوذناپذیری، معصومیت وصداقت ودر عین حال اندوه درونیش را آشکار میسازد .از منظر واژگانی توصیفات منفی ومثبت در نگاه دوستداران ومنتقدان وی را میتوان دریافت. همچنین است واژه هایی که رویکرد معنوی – عاطفی یا مادی دارند. به لحاظ دستوری بالاترین بسامد واژگانی در توصیف وی از آن اسم وصفت و در گستره صنایع ادبی نیز این برتری نخست ازآن استعاره وسپس تشبیه است.

کلمات کلیدی:
منظومه غنایی، قهرمان - زن، لیلی ومجنون، صنایع ادبی، رنگ، واژه، تصویر.

---

۱ - اُستادیار دانشگاه پیام نور تهران behnazpayam@yahoo.com

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه:

منظومه‌های غنایی ادب فارسی و از آن میان مثنوی شورانگیز لیلی ومجنون که با قلم توانای نظامی شاعر بزرگ ایرانی به نظم درآمده است حکایت همنشینی ارواح لطیف واندیشه‌های نورانیست. بررسی ابعاد مختلف این حدیث دلدادگی از منظر داستانپردازی، لطافت وظرافتهای فکری وبیانی آنرا بیش از پیش بر ما آشکار خواهد ساخت.

از آنجا که بررسی کامل ساختار این داستان، نیاز به تحلیل همه عناصر آن دارد و بی‌شک از حوصلهٔ این نوشتار خارج است لذا تنها به بررسی یکی از عناصر تشکیل دهنده و تاثیرگذار آن که شخصیت‌پردازی است و از آن میان نیز به تحلیل شخصیت قهرمان ــ زن داستان(لیلی) خواهیم پرداخت و از منظر واژه، رنگ وتصویر بدان خواهیم نگریست.

بدین منظور لیلی ومجنون نظامی گنجوی(ف۵۹۹-۶۰۲ه.ق)و سه منظومه دیگر که به تقلید از وی با قلم "امیرخسرو دهلوی"(ف۷۲۵ه.ق)، "نورالدین عبدالرحمان جامی"(ف۸۹۸ه.ق) و"مکتبی شیرازی"(۹۱۶ه.ق) به نظم کشیده شده‌اند را اساس کار قرار خواهیم داد تا از این راه بتوانیم تصویری روشن از سیمای زن را در ادب فارسی به نمایش بگذاریم.

هدف این مقاله ارائه شناختی بیشتر از شخصیت قهرمان – زن در داستانها ی عاشقانهٔ منظوم است که با تکیه بر منظومه لیلی ومجنون صورت گرفته است. در خصوص پیشینه موضوع مورد نظر که از سه منظر رنگ، واژه وتصویر به قهرمان – زن داستان نگریسته شده است پژوهش جداگانه‌ای که شیوه به کار رفته در این مقاله در آن اعمال شده باشد مشاهده نگردید لذا تلاش خواهد شد که از این سه منظر به موضوع مورد بحث پرداخته شود. روش کار کتابخانه ای است که ضمن جمع آوری اطلاعات لازم به تجزیه وتحلیل شخصیت مورد نظر با تکیه بر نکات به دست آمده- در حد توان- خواهیم پرداخت. این پژوهش علاوه بر مقدمه در قالب سه بخش اصلی ارائه میگردد. بخش نخست رویکردی است به ویژگیهای روانشناختی رنگهایی که در مثنویهای مورد بحث بیشترین کاربرد را برای توصیف قهرمان-زن دارند بخش دوم تصویر قهرمان – زن در گستره واژگانی است که واژه‌های مورد نظر با بار معنایی مثبت یا منفی ونیز با رویکرد معنوی – عاطفی یا مادی خواهند بود علاوه بر این به نوع دستوری اینگونه کلمات هم پرداخته شده است. بخش سوم تصویر شخصیت قهرمان ــ زن داستان درگستره واژگانی و بدیعی خواهد بود و در نهایت نتیجه‌گیری ارائه گردیده است.

www.SID.ir

Archive of SID

جایگاه رنگ در توصیف قهرمان - زن

رنگ بعنوان پدیده‌ای زنده، پویا وتاثیرگذار، جایگاه ویژه‌ای در ادبیات هر سرزمین دارد. نفوذ این عنصر طبیعی درشاخه‌های مختلف از علوم، از جمله روانشناسی، موجب شناخت بیشتر ابعاد شخصیت افراد میگردد. رنگها زبان طبیعت و زبان خاموش بشرند در بیان عقاید و اندیشه‌هایی که شاید هرگز آشکار نشوند. شناخت مفاهیم مستقیم یا یر مستقیم (نمادین) رنگها ما را قادر خواهد ساخت شخصیت افراد پیرامون خود را از بعد روانی_ اجتماعی بهتر بشناسیم چرا که رنگهای گوناگون به زبانهای گوناگون سخن میگویند.(هارتمن، ۱۳۸۶: ۲۴۲) در منظومه غنایی لیلی و مجنون نیز رنگ نقش بسزایی در معرفی شخصیت قهرمان _ زن دارد. با توجه به اینکه درمثنویهای غنایی، طبیعت به فضای قصه بسیار نزدیک است و شاعر برای معرفی شخصیتها از تشبیه ایشان به عناصر طبیعت پیرامون یاری میجوید بکارگیری چنین گزینه هایی برای شناساندن شخصیتها، خواننده را با فضایی پر از رنگ آشنا خواهد ساخت که این امر بر لطافت گفتار و تصویردر داستان خواهد افزود در ادبیات غنایی رنگها معمولا هنگامی بکار میروند که شاعر سعی در توصیف قهرمان اصلی داشته باشد چه این توصیف از زبان خود او باشدچه از زبان سایر شخصیتهای داستان. در بررسی چهار منظومه مورد نظر بیشترین بسامد رنگ از آن سرخ، سبز، سیاه وسفید است در مواردی نیز بطور گذرا به رنگ زرد اشاره شده است.

سبز[۱] روانشناسان، علاقمندان به این رنگ را دارای اراده در انجام کار، پشتکار واستقامت، پایداری ومقاومت دربرابر تغییرات می دانند (لوشر، ۱۳۷۰ :۸۳) این رنگ ازثبات عقیده وخودآگاهی حکایت دارد وانتخاب کننده آن به ارزشهای فکری خود اطمینان بیشتری دارد (همو، همان) همانگونه که در منظومه های غنایی مشاهده می شود معمولا قهرمان و در این منظومه، قهرمان- زن داستان به سرو که نماد سرسبزی وطراوت جاوید است تشبیه میشود وصلابت و استواری وی - اگرچه در بیان شباهت قامت وی به درخت- به آن منسوب میگردد. در اندیشه‌های نمادین نیز رنگ سبز را شبیه به درخت کاج غول آسایی میدانند[majestic sequoia] که ریشه‌ای عمیق دارد؛ مغرور وتغییر ناپذیر است واز درختهای کوچکتر، بلندتر است. خلق وخوی تند وخودکامه وحالت اضطراب در هنگام کشیدن زه کمان دارد محتوای عاطفی رنگ موجود درسرو نیز - به دلیل سبزی- غرور است بطوری که شخصیت متمایل به این رنگ یا کسی که در توصیفش از این رنگ بهره گرفته میشود مایل است عقاید خود را بر دیگران تحمیل کند؛ برای خود مقام بالایی قائل است وعلاقمند به پند واندرز دادن به دیگران است.(همو، همان:۸۴-۸۵) دررمزشناسی عرفانی هم

www.SID.ir

Archive of SID

رنگ سبز، نویدبخش تجدید حیات ونوشدگی زندگی ونیز فروپاشی ناشی از مرگ است. بنابراین نوزایی روحانی (نشاه ثانوی) ونیز تلاش جسمانی را القا میکند(ستاری، ۱۳۷۲: ۳۴).

تشبیه قهرمان - زن در داستان مورد نظر به سرو به اعتبار سبزی آن با همه ویژگیهایی که برشمردیم از نکات جالب توجه است.[۲]

قدش چو کشیده زادسروی رویش چو به سروبرتذروی(نظامی/ص۴۹۱/ ب۲۳)
لیلی چو شنید این سخن را برخاک فکند سروبن را(امیرخسرو/ ص۱۰۰/ب ۵)
درحله ناز دید سروی چون‌کبک‌دری روان‌تذروی(جامی/ص ۲۴۶/ ب۴۴۵)
هرجاکه گذشت گردبادی زان سرو رونده کرد یادی(مکتبی/ص۱۵۳/ب۱۴)

این رنگ تنها به سرو محدود نمیگردد شاعر آن را در برگهای درختان دیگر ودر سبزه‌ها نیز میجوید و زیبایی قهرمان مورد نظرش را به یاری آنها بتصویر میکشد. بید وشمشاد در این دسته جای میگیرند.

لیلی چو بریده شاخی از بید از خرمی بهار نومید(مکتبی/ ص۱۷۹ب۸)
مجنون: ای هم من وهم تو آدمیزاد من‌خارخسک‌توشاخ‌شمشاد(نظامی/ ص۴۸۱/ب۶۲)

با توجه به ویژگیهایی که برای رنگ سبز بیان گردید ونیز با پیگیری داستان لیلی ومجنون شبیه سازی شخصیت زن در داستان به سرو، بید یا شمشاد میتواند بیانگر پایداری وی در رابطه عاشقانه‌اش با مجنون و نیز تا حدودی تلخ مزاجی وحالت اضطراب او نیز باشد آنجا که به شاخه‌ای بریده از بید تشبیه شده ، درختی که در ادب غنایی خود نمایانگر بیقراری واضطاب وتشویش است. با تامل در مفهوم موجود در جنبه رمزی رنگ سبز با توجه به قهرمان – زن داستان به نوعی میتوان او را عامل نوزایی مجنون در حیات عاشقانه اش بدانیم با این وصف در حقیقت مجنون با شخصیتی تازه که نسبت به خود ودنیای عشق، خودآگاهی ویژه‌ای یافته پای به عرصه داستان مینهد بطوری که در طول داستان حیات وسلامت لیلی را بر خود ترجیح میدهد و اینهمه بواسطه وجود لیلی است. پس لیلی به نوعی آگاهی بخش ورسول هدایت مجنون است که رنگ سبز تا حدودی توانسته این مفهوم را در شعر منعکس سازد.

سرخ : این رنگ نیز از جمله رنگهایی است که در شعرفارسی مورد توجه بوده و بسیار بدان پرداخته شده است.[۳] در روانشناسی رنگها سرخ، بیانگر نیروی حیاتی و به معنی لزوم بدست آوردن نتایج مورد نظر وکسب کامیابی است و نیز آرزوی شدید برای آنچه شدت

www.SID.ir

Archive of SID

زندگی وکمال تجربه را درپوشش خود دارد. به بیان دیگر قرمز یعنی محرک، اراده برای پیروزی و تمام شکلهای شور زندگی، قدرت، پیکار وتهور. این رنگ مظهر تاثیر اراده یا قدرت اراده است . به لحاظ نمادین شبیه خونی است که در هنگام پیروزی ریخته می شود. محتوای عاطفی این رنگ آرزو وآمال است.(لوشر، ۱۳۷۰-۸۷-۸۶)وگاهی نیزاز آن به رنگ حمله تعبیر می شود (همو؛همان: ۲۱) از طرفی دیگر رنگ غرور وخودخواهی دانسته شده و نماد انسانهایی است که ذاتا بصیر و دانا هستند(هارتمن، ۱۳۸۶: ۲۴۴) دررمزشناسی عرفانی، رمز قوای فعال طبیعت چون خورشید وخون و آتش، همچنین نماد قدرت وسلطنت- که خشم از نمودهای آن به شمار می رود- دانسته شده است. رنگی که برای قهرمان - زن داستان لیلی ومجنون بکار رفته و در قالب گلها واحجارکریمه، مثل لعل وعقیق، در توصیف سرخی لب او آمده است برانگیزاننده شور، میل زیستن و مهرورزی در شخصیت مقابل او می گردد.

چونست عقیق آبدارت — وآن غالیه‌های تابدارت(نظامی/ ص۵۷۲/ ب۸۷)
اول بگزید لب به دندان — پس بازگشاد لعل‌خندان(امیرخسرو/ ص۹۲/ ب۱۷)
ای لعل لبت زخون نابم — خونین نمک دل کبابم(مکتبی/ ص۳۲۱/ب۲)
چون لعل لبی ولی نه از سنگ — چون‌می‌درلطف‌ولعل‌دررنگ(جامی/ص۲۴۶/ب۴۵۰)

در اشعار غنایی این رنگ را میتوان درعناصر دیگری از طبیعت نیز مشاهده نمود. گل که در شعر فارسی در معنی مطلق گل سرخ بکار میرود هم در وصف زیبایی قهرمان - زن داستان بویژه صورت او بکار میرود. گاهی نیز از رنگ سرخ گلهای دیگر مثل لاله نیز برای این امر استفاده میشود.

گل را به سرشک میخراشید — وز چوب رفیق میتراشید(نظامی/ ص۴۹۲/ ب۳۵)
...زانگونه زبون نه ایم ما نیز — کارزدگل ما بنرخ گشنیز(امیرخسرو/ ص۷۵/ب۲۵)
گلدسته بباغ دلنوازی — بتخانه کفرعشقبازی(مکتبی/ ص ۱۷۳/ب۱۵)
لیلی گلی از گلاب شسته — مجنون‌خسی‌ازسراب‌رسته(جامی/ص۲۷۵/ب۱۰۴۷)

غرور زنانه‌ای که در وجود لیلی به چشم میخورد نیز بی‌ارتباط با رنگ به کار برده شده در مورد وی نیست استفاده از واژه های مختلف که در قالب احجار کریمه مثل لعل وعقیق می‌آیند علاوه بر بیان زیبایی، بیانگر سختی ونفوذ ناپذیری وتاثیرگذاری قهرمان مورد نظرهم خواهند بود بطوری که ما را به مفاهیم دیگری از رنگ سرخ – که پیشتر ارائه شد-

www.SID.ir

Archive of SID

نزدیک می سازد قدرتمندی، تهور وبی باکی در مهرورزی کـه در شخصـیت لیلـی مشـاهده میشود از خلال مفاهیم همین واژگان دریافت میگردد.

سیاه[۴] این رنگ را نقطه پایانی که درفراسوی آن هیچ چیز وجـود نـدارد گفتـه اندکـه از تاثیر قوی بر هر رنگی برخوردار است. (لوشر،۹۷:۱۳۷۰) نیز رک: خانیانی،۱۳۸۲-۳۱ :۳۰)از دیدگاه سمبولیک سیاه، تداعیگر نیروهای مافوق طبیعی وجادویی است.(دی وتـایلور،۱۳۸۵ :۱۶) در باورهای کهن این رنگ در مراسم قربانی از جایگاه ویژه‌ای برخورداربوده است بطـور مثال در اسطوره‌های بابلی از نره گاو سیاهی سخن به میان می‌آید که هنگام سـاخت طبـل مقدس لی لیس سو باید قربانی شود.(هنری هوک،۱۳۸۱: ۷۰) میزان کاربرد هر یک از ایـن واژه ها به آداب، رسوم وسنتهای قبایل واقوامی بستگی دارد که داستان در باور ایشان شکل گرفته است. بکارگیری مشبه به هندو، شب / لیل، غالیـه و بنفشـه در شـعر نظـامی - کـه گاهی نیز صورت استعاری به خود میگیرند- برای زلف وموی قهرمان- زن و یا مشـک بـرای توصیف سیاهی خالی که بر صورت دارد در این زمره قرار میگیرد.(ر.ک: ص۴۷۱/ ب ۵۹و۶۷ نیز ص ۴۹۴/ ب۹۷)و ص ۵۷۲/ ب۸۷) درکلام امیرخسرو نیز ترکیـب آهـوی سـیاه وعنبـر برای چشم و زلف قهرمان مورد نظرتصویر زیبایی آفریده است.. .

چشـم سـیهت کـه بـی‌نظیـر اسـت آهـوی سـیاه شـیرگیر اسـت(ص۸۹/ ب۹)

در شعر جامی هم مشک، دستمایه مناسبی برای وصف زلف سیاه شخصیت مورد نظر است.

بـر یـاد دو زلـف مشـکفامش میکرد نظارهٔ دو لامش(ص۲۹۹/ب ۱۵۷۴)

سفید این رنگ نشان از صداقت دوستداران آن اسـت. کسـانی کـه بـا خلـوص سـخنان دیگـران را میشـنوند بـدون آنکـه آنهـا را سـرزنش کننـد(هـارتمن، ۱۳۸۶: ۲۴۵) در بـاور سمبولیستها سفید نشانگر خوبی، نور، پاکدامنی وصلح است و از آنجا که تداعی کننـده نـور خورشید است سمبل تقدس ونور الهی نیز هست.(دی وتایلور،۱۳۸۵: ۱۶ نیز رک: هـارتمن، ۱۳۸۶: ۲۴۳)در رمزشناسی عرفانی هم سفید نشان از معصومیت وبی گناهی است و با امور واعمال قدسی مناسبت دارد وچون هر رازآموزی ، مورث طهارت وپاکی است . این رنـگ در منظومه‌های غنایی معمولا با حضور گلهایی مثل یاسمن ونرگس جلوه‌گر میشود و به شـاعر در به تصویر کشیدن پاکی ، صداقت و یکرنگی قهرمان – زن یاری میرساند تشبیه صورت به یاسمن درسپیدی وچشم به نرگس به اعتبار رنگ وحالت ازآن جمله است.

لیلـی سـمن خـزان ندیـده مجنون چمن خزان رسیده(نظـامی/ص ۴۷۶/ ب۵۸)

بـرد آن ورق بـه نـازنین داد غنچه به کنار یاسمین داد(امیرخسرو/ ص۸۴/ب ۲۴)

از شـعله ایـن غمـش جگـر سـوخت رنگ‌سمنش‌چولاله‌افروخت(جـامی/ص ۳۳۶/ب ۲۳۵۶)

دردیـده چـو میـل سـرمه راهـش برخاک دو نرگس سیاهش(مکتبـی/ص ۲۲۵/ب۷)

www.SID.ir

Archive of SID

زرد : این رنگ در خود حالت روشنی وشادمانی را دارد رنگ آغاز بهار است و بـه تلاطـم وتوفانهای بهاری میماند(حبیب اللهی، ۱۳۷۷: ۴۸) زرد نشانگر تسکین، رهایی وامیـد اسـت. از جنبه نمادین به گرمای دلپـذیر نورآفتـاب وخوشـبختی اشـاره دارد.(لوشـر، ۱۳۷۰: ۹۰-۹۱)این رنگ به ادبیات دینی هم راه یافته به طوری که کسانی کـه از عقایـد مـذهبی قـوی برخوردارند و به مقامات بالای الوهی دست یافته اند دارای هاله ای از نور زرد هستند.(قاسم زاده، نیکوبخت، ۱۳۸۳: ۱۴۷)رنگ زرد نشانگر استعداد ذاتی واشتیاقی سـوزنده بـرای درک همه چیز است(هارتمن، ۱۳۸۶ : ۲۴۵) بنابراین آنرا سمبل طبیعی آگاهی ومثبت بودن مـی دانند با این حال، معانی منفی بسیاری را نیزبا خود دارد. از قرون وسـطی تـا اکنـون نشـانه بیماری محسوب می شود وگاهی هم ترس وبزدلی را تداعی می کنـد.(دی وتـایلور، ۱۳۸۵: ۱۴) در اساطیر کهن ایرانی هم این رنگ نمود یافته است. مهر ایزد مینوی است با زیورهای زرین آراسته از فراز کوه هرا [البرز] سربه در مـی آورد(اوسـتا، مهـر یشـت، کـرده چهـارم، بند۱۳) با گرزی از فلز زرد ریخته و از زر سخت سـاخته، کـه اسـتوارترین وپیـروزی بخـش ترین رزم افزار است.(همان، کرده بیست وچهارم، بنـد۹۶) در بـاور ایرانیـان باسـتان، هـوم مقدس نیز زرد رنگ است (همان، کرده بیست وسوم، بند۸۸) از میان کاربردهـای گونـاگون رنگ زرد در منظومه‌های مورد نظر، از این رنگ برای بیان ضعف و بیماری بهره گرفته شـده است. تشبیه قهرمان - زن داستان به گل زرد بی ارتباط با رخسار بیمـارگون وزرد رنـگ او نیست بطوری که در تصویرسازی امیرخسرو بخوبی این نکته بیان شـده اسـت . در شـعر او لیلی در بیماری وکسالت و اندوه به گلی زرد در میان گلهای سـرخ وبـاطراوت- کـه سـمبل دیگر دختران قبیله اند- شبیه شده است.

هرســـــرخ گلـــــی، شـــــکوفه پـــــرورد لیلی به میانه چـون گـل زرد (ص۹۸ / ب۲۲)

تصویر قهرمان_ زن در گسترهٔ لغات

الف) واژه های توصیفی با بار معنایی *مثبت* یا *منفی*

هریک از این دو دسته نیز به یاری زیرمجموعه‌هایی گسترش می‌یابند بدین معنـی کـه واژه‌های مثبـت میتواننـد در سـه دسـته قـرار بگیرنـد الـف) از نگـاه منتقـدان ب) از نگـاه دوستداران ج) از نگاه قهرمان- زن . این دسته بندی تا حدودی در واژه های توصیفی با بـار معنایی منفی هم به کار می آید. از میان چهار منظومه تنها جـامی اسـت کـه در کنـار واژه های مثبت توصیفی، تصویر قهرمان- زن را در نگاه منتقدان نیـز نشـان میدهـد. واژه هـای مثبت- که در برخـی از مواردکـه صـورت ترکیـب یـا عبـارت نیـز بخـود میگیرنـد- مثـل :

www.SID.ir

Archive of SID

شکرخندی، برتر از آفتاب بودن، مهرعالم فروز، دلربایی، موزونی، ملاحت، مردم چشم، سرمایه عمر، حورعین، رطب تازه در توصیفات مرتبط با لیلی در این اثر نمود یافته است.[۵] در زبان سوگند نیز ذکر زیبایی لیلی با کلمات مثبت همراه میشود او بانوی حجله نکویی و بانی کاخ خوبرویی است. شمع حرم بزرگواری وسیاره برج نامداری است. نوردیده وانیس جان وتعویذ وحرز است. چشمه آب زندگانی وبهار تازه است مکتبی او را مرهم، غنچه، چشمه آفتاب وگلبن نوشکفته ، آب زندگانی، گلزار، شمع، شاخ گل وماه پاره میخواند[۶] امیرخسرو نیز لیلی را برتر از ماه، لشکرشکن، سرشار از ناز وکرشمه و درعین حال سرانداز، با نگاهی تاثیرگذار میداند در نگاه او قهرمان- زن طاووس بهشت، کبک بوستان و سرو نوبهاری است. در نگاه او لطیف است چون حریر، سیم‌بر و نازنین است وحیا وشرمناکی با وجودش عجین شده است[۷] نظامی هم قهرمان- زن را با واژه هایی که بار معنایی مثبت دارندبه تصویر میکشد. ازآن جمله است شکرشکن، آراسته، رازدار، پاکدامن وعفیف، لعبت، دارای نیروی جادویی و قدرت درمانبخشی، باده، ماه دو هفته، چنگنواز و میگسار.[۸] اما لیلی منتقدانی هم داردکه کلمات خوشایندی در وصف او به کار نخواهند برد. درکلام ایشان ستم فروش است و ارزان‌کن نرخ مهرکوشی، پدر مجنون او را با کلمات خس، زاغ ولاله (در بیان ضعف ونقص در برابر باغی از گل وریحان)- سایر دختران قبیله- توصیف میکند. تاراجگری، مجنون کنی، آسیب رسانی، بلای جان بودن، عهدشکنی از دیگر صفاتی است که مردم در او می‌بینند. مجنون نیز در زبان شکایت او را ابر و برق میداند.[۹]

ب) واژه های توصیفی با رویکرد معنوی_ عاطفی و مادی

در دسته بندی دوم واژه‌ها در دوگروه *معنوی- عاطفی* و *مادی* قرار میگیرند. در بخش نخست کلماتی جای میگیرند که حالاتی چون مهربانی، شفقت ولطف وماواردی از این دست را با خود دارند در بخش دوم هم دو زیرمجموعه طبیعت جاندار و بیجان را میتوان جای داد که در زیرمجموعه جاندار از سویی گلها، گیاهان ودرختان(نباتات) قرار میگیرند واز سوی دیگر جانوران اهلی وغیر اهلی. طبیعت بی جان نیز اجرام آسمانی واحجار کریمه وعناصر ارزشی را در خود جای میدهد. تمامی این دسته بندیها به کمک اسمها وصفات به تصویر کشیده میشوند.

آراسته لعبتی چو ماهی — چون سرو سهی نظاره گاهی(نظامی/ص۴۷۱/ب۵۵)
هرجا که گذشت گردبادی — زان سرو رونده کرد یادی(مکتبی/ص۱۵۳/ ب ۱۴)
... کای گلبن باغ کامرانی — وای سرو ریاض زندگانی(جامی/ص ۳۹۵/ ب۳۶۱۱)
لیلی چوشنید این سخن را — برخاک فکندسروبن‌را(امیرخسرو/ص ۱۰۰/ب ۵)

www.SID.ir

Archive of SID

گاهی نام بعضی از درختان برای بیان شادابی قهرمان_ زن به کمک شاعر می آید نارون در شعر مکتبی در توصیف طراوت وشادابی لیلی وهمراهانش از آن جمله است.

صف بسته چونارون به بستان گلنار رخان نارپستان(ص ۱۸۰/ ب۶)

گاهی نیز شاعر برای توصیف اوج طراوت وتازگی وی از کلمات وعباراتی همچون «باغ» و یا «باغ در باغ» بهره میگیرد.

لیلی بگذار باغ در باغ مجنون غلطم که داغ بر داغ(نظامی/ص۴۷۶/ ب۵۴)

ای باغ ولی نشیمن زاغ بهرهمه مرهم ومرا داغ(جامی/ص ۳۵۹/ب ۲۸۷۱)

تب لرزه بسوخت روی چون باغ تب خاله نهاد برلبش داغ(امیرخسرو/ص ۱۰۱/ب ۵)

جانوران نیز سهم عمده‌ای در توصیف قهرمان_ زن داستانهای عاشقانه دارند. با توجه به ویژگیهای برخی از آنان که رد پایی از خود در ادبیات به جای گذاشته‌اند بکار می‌آیند. از آن میان بیشترین بسامد از آن آهوست به اعتبار زیبایی زایدالوصفی که در چشمان خود دارد و معمولا زیبایی و گیرایی چشمان قهرمان- زن بدانها تشبیه میشود.[۱۲] استفاده از نام پرندگان نیز به دلیل رنگارنگی و زیبایی بال و پرها، نوع رفتار و ویژگیهای لطیفی که در حرکات آنها به چشم می‌آید از دیگر هنرمندیهایی است که معمولا درچنین منظومه‌هایی از سوی شاعران برای وصف قهرمان- زن صورت میگیرد.کبک دری و تذرو و طاووس از آن جمله‌اند[۱۳]

بخش دیگری که این مطلب را سامان میبخشد، بهره‌گیری از طبیعت بیجان برای توصیف و یادکرد قهرمان- زن است که در قالب اجرام آسمانی، احجار کریمه و عناصر ارزشی جلوه گر میشوند. درخشش، زیبایی، دوراز دسترس بودن، گیرایی، تاثیرگذاری وسعادت یا نحوست (با توجه به باورهای عامیانه) از جمله عواملی است که موجب میشود قهرمان- زن به یکی از اجرام آسمانی تشبیه شود. در این زمینه نیز بیشترین بسامد از آن ماه است که گاه از ویژگی هلالی وگاه بدر بودن آن برای نشان دادن زیبایی و درخشش چهره قهرمان مورد نظر استفاده میشود.[۱۴] زهره وخورشید وپروین هم در این میان درتوصیف بکار میروند.[۱۵]

احجار کریمه هم در بیان زیبایی قهرمان- زن داستانهای عاشقانه موجب آفرینش صحنه‌های شگفت‌انگیزی از رنگ و تصویرند. رنگ سنگهای گرانبها، نمودار همه زیباییهای طبیعت است شادابی وقدرت ویکدستی رنگ آمیزی سنگهای گرانبها باعث شده که خود رمز رنگها شوند.

www.SID.ir

Archive of SID

ج) نوع دستوری واژه های توصیفی

با توجه به نوع توصیفات وشیوه بیانی ویژگیهای قهرمان- زن، بیشترین بسامد لغوی از آن اسم و پس از آن صفت است. صفات بسیط ودر مواردی نیز صفات فاعلی، حجم بیشتری از کلمات توصیفی را پس از آن به خود اختصاص میدهند. صفات مفعولی نیز دراین توصیفات کاربرد دارند. ماه، سرو، تیر، ناوک، لعل، ریحان، گلبرگ و... در شعر جامی به کار رفته اند.[۱۸] امیرخسرو هم برای توصیف بیشترین بهره را از اسم میبرد[۱۹]. این نوع کاربرد واژگانی را در منظومه لیلی ومجنون نظامی هم میتوان مشاهده نمود. شکر، قند، چشمه، کمند، سیب از جمله کلماتی هستند که در منظومه وی به کار رفته اند[۲۰] مکتبی هم از اسمهایی مثل نارون، صنم، نرگس وستاره استفاده میکند.[۲۱] صفات نیز در این توصیفات (که گاه با نشانه فاعلی می آیند وگاهی نیز به صورت مرکب مرخم) مورد استفاده در آفرینش صحنه‌ای توصیفی بکار می‌آیند. در شعر نظامی لشکرشکن (ص ۴۷۱ ب ۶۱)در شعر جامی، ارزان کن، ستم فروش، سجاده نورد، دراعه نما، مجنون کن، عهدشکن، جهانسوز، فروغ بخش وآرام ده، تاراجگر وغارتگردر این دسته قرار می گیرند.[۲۲] امیرخسرو هم سرانداز، دلبند، دلستان، تیغ زن وافسونگر را به کار می برد.[۲۳]

تصویر قهرمان- زن در گستره صنایع ادبی

حضور قهرمان- زن رکنی اساسی در شکلگیری اینگونه داستانهای عاشقانه است. در این آفرینش، صنایع ادبی نقش بسزایی بر عهده دارند. ودر این میان، بیشترین بسامد به طور معمول از آن استعاره وتشبیه خواهد بود. در تشبیهات، مشبه به معمولا از میان عناصر موجود در طبیعت پیرامون که ممکن است جاندار یا بی جان باشند وهمچنین امور ماورایی مثل جان، روح وپری انتخاب میشود. بخش دیگری از تصویرها نیز از نوع تشبیهات تلمیحی خواهد بود. به بیان دیگر شاعر با بهره گیری از داستان یاحکایتی دور درقالب یک تشبیه، خواننده را به تماشای قهرمان- زنی خاص میبرد.[۲۴] نکته دیگری که در تصویرآفرینی دارای اهمیت است نوع توصیفات از منظر تعداد واژه است بدین معنی که گاه توصیف به صورت تک واژه‌ای می‌آید وگاهی نیز در قالب یک جمله میتواند قهرمان- زن را به تصویر بکشاند. مراد از تک واژه بودن استفاده از یک کلمه بدون بکارگیری هرگونه قیدست؛ اما در مواقعی تک واژه ها ممکن است مقید به صفت یا مضاف‌الیه نیز باشند. در بخش تشبیهات تلمیحی باید به داستانهایی مثل چشمه آب حیات وخضر اشاره نمود که به یاری شاعر می‌آید تا

www.SID.ir

Archive of SID

صورتی دیگر از قهرمان مورد نظر خوذ را بیافرینـد. وجـه شـبه در ایـن آفرینـنـدگی حیـات بخشی است.

آب خضـــــری مبـــــاد گـــــردت درمان‌دلی مباد دردت (مکتبی/ص ۱۷۷ب ۱۳)

این تلمیح به منظومه جامی هم راه می‌یابد.

لیلـــی اســـت چـــو آب زنـــدگانی من تشنه جگر چنانکـه دانـی(ص۲۵۱ ب۵۴۳)

داستان شگفت انگیز یوسف و دست بریدن زنان مصری هم در داستانهای عاشقانه بـرای اشاره به زیبارویی قهرمان- زن هم در اینگونه منظومه ها جایگـاه ویـژه ای دارد ایـن پـیش زمینه تلمیحی موجب شکلگیری تصویری زیبا از شخصیت مورد نظر شاعر میگردد.

زان تـــــازه تـــــرنج نورســـــیده نظاره تـرنج کـف بریـده(نظـامی/ ص۴۷۲ ب۴)

امیرخسرو نیز با نگاهی به بهشت و داستان طاووس و آدم وحوا، قهرمان- زن را بـه ایـن پرنده زیبا شبیه میداند.

نـــی بـــت کـــه چـــراغ بـــت پرســـتان طاووس بهشت وکبک بستان (ص ۶۵ ب ۲)

همانگونه که پیشتر بیان گردید در منظومه هـای غنـایی، اسـتعاره بیشـترین حضـور را درآفرینش تصویرهای ادبی از قهرمان - زن دارد. بدین منظور شاعر برای توصیف شخصـیت مورد نظر واژه های مستعارمنه را از میان میوه ها، آلات جنگی، گلها وریاحین(نباتات)- کـه معمولا با جامع شباهت ایجاد میشوند- یا موجودات خیالی مانند پری- عناصر ارزشی ماننـد گنج وپول رایج- با جامع ارزشمندی- جانوران - با جامع شباهت- و مکانهـای قدسـی - بـا جامع اهمیت وتقدس - برمی گزیند.گاهی نیز هریک از این تقسیمبندیها میتواند در جایگاه دیگری قرار گیرد. در بررسی منظومه های مورد نظر، امیرخسرو، سرو، شـمع، چـراغ، مـرغ، نرگس، کبک، تذرو، طاووس، نهال، بهار، چشمه سار، باغ، کان نمک، اختر سعد، پری، پـری کیش وگل زرد را بکار میگیرد[۲۸] نظامی علاوه برموارد بالا در توصیف قهرمان- زن، محـراب، کعبه، صیاد، باغ درباغ، قند، انگبین، بنفشه، سمن، شراره، ارغوان، لعبت، انار، سـیب، رطـب، سنبل، کمان، مشـک وگـنج را بکـار میبـرد.[۲۹] مکتبـی از بتخانـه، گلـزار، سـتاره، نـارون و لوءلواستفاده می کند[۳۰] وجامی از کبک، تیر، عقد، سیم، ناوک، قبله، سـجاده، دراعـه، لالـه، نخل، آهو، خوشه پروین، تعویذ، ابر، بـرق، صـورت چـین وآتـش بهـره مـی گیـرد. [۳۱] تـوان تصویرسازی شاعران در ساخت منظومه های غنایی تا بدانجاست کـه بـا اسـتفاده از صـنایع ادبی وگزینش کلمات مناسب در توصیف حالات شخصیتهای داسـتانی، موفـق بـه آفـرینش

www.SID.ir

Archive of SID

لحظات وصحنه هایی جاندار وتاثیر گذارمی شوند به طوری کـه خواننـده در برابـر دیـدگان خود نه فقط یک بیت بلکه با اندیشه در قدرت واژه گزینی شـاعر نقشـی هنرمندانـه را مـی بیندکه به کمک واژه ها جان یافته است. آفرینش صحنه شـکار بـا هـدف توصـیف زیبـایی چشمان قهرمان- زن از جمله چنین تصاویری است که با قلم توانای نظامی ایجاد شده است در این میدان زلف، کمندی است که دلدادگان را به بند میکشد.

صـــیدی زکمنـــد او نمـــی رســـت غمزش بگرفت و زلف میبست(ص۴۹۱ ب ۱۵)

همچنین تصویر بیقراری وگریستن و نالیدن را نیز با بهره گیری از آلات موسیقی و آوای آنها بخوبی می‌آفریند.

لیلـــی زخـــروش، چنـــگ در بـــر مجنون چو رباب دست برسر (ص ۴۷۶ ب ۵۲)

فرو افتادن دلدادگان در چاه زنخدان دلدار(در اینجا قهرمان- زن) ونجات یافتن ایشان با زلف همچون کمند وی از دیگر نقشهایی است که در منظومه های عاشقانه در برابر دیدگان خواننده جان میگیرد.

چـــاه زنخـــش کـــه سرگشـــاده صـــددل بـــه غلـــط در او فتـــاده

زلفـــش رســـنی فکنـــده در راه تا هرکه فتد برآرد ازچاه (ص۴۹۲ ب ۲۶-۲۷)

امیرخسرو نیز میکوشد با تشبیه ناله‌های قهرمان - زن بـه زبانـه‌هـای آتـش میکوشـد تصویری از ناله های جانسوز او را نشان دهد که از درون سینه به بیرون شعله میکشد.

هـــر نالـــه کـــه عاشـــقانه میـــزد آتـــش زلـــبش زبانـــه میـــزد (ص ۶۸ ب ۳)

نتیجه:

در بررسی منظومه‌های غنایی مورد بحث میتوان به نتایج ذیل دست یافت:

از منظر رنگ و روانشناسی رنگهای بکار رفته در توصیف قهرمـان- زن داسـتان، میتـوان شخصیت مورد نظر را در مجموع، پرشور، پاکدامن، با رفتاری زنانه دانست که گاه بـا غـرور، بیتابی و بیماری همراهست. رنگهای سرخ، سبز، سیاه ، سفید و زرد بیشـترین کـاربرد را در توصیف او دارد .اگر چه مستقیما از رنگی خاص نام برده نشده اما از عناصر و موجوداتی بهره گرفته شده که رنگهای مورد نظر را در خود دارند گلها وگیاهان وجانوران از آن دسته اند. از منظر واژگانی کلمات بکار رفته در این مثنویهای غنایی در توصیف شخصیت مورد نظـر، بـا سه زیرمجموعه می آیند برخی از آنها دارای بارمعنایی مثبت یا منفیند کـه اغلـب در کـلام دوستداران قهرمان- زن یا خود او جای میگیرند که در مواردی در قالـب سـوگند بـر زبـان

www.SID.ir

Archive of SID

می‌آیند وکلماتی که بار معنایی منفی دارند عکس این ویژگی را در خود دارد و اغلب هنگام شکایت از وی بیان می شوند. برخی دیگرکلماتی هستند کـه مفـاهیم معنـوی- عـاطفی یـا مادی را به خواننده منتقل میکنند. مراد از مفاهیم معنوی، الفاظی خوشایند است که دلالت بر زیبایی، دلپسندی، ارجمندی، ملاحت وپاکی قهرمان- زن دارد..در حوزه مادی هم شاعراز یکسو به کمک طبیعـت جانـدار پیرامـون خـود، تصـویر قهرمـان- زن را در قالـب نباتـات وجانوران نشان میدهد و از سویی دیگر طبیعت بی جـان- اجـرام آسـمانی واحجـار کریمـه وعناصر ارزشی- را برای توصیف ویادکرد قهرمان- زن بکار میبرد. در بخش پایـانی هـم در بررسی نوع دستوری کلمات بکار رفته در توصیف قهرمان - زن این نکته قابل توجه خواهـد بود که اسم وصفت ساده ، فاعلی (صفت فاعلی با نشان فاعلی وصفت فاعلی مرکـب مـرخم) ودر مواقعی نیز صفات مفعولی کاربرد قابل توجهی دارنـد. تصـویری کـه از قهرمـان- زن در گستره صنایع ادبی نشان داده میشود نیز به کمک تشبیه واستعاره شکل میگیرد کـه دارای بالاترین بسامد در تصویرسازی هستند در استعاره بطور معمـول مسـتعارمنه از میـان گلهـا وگیاهان ودرختان(نباتات)، پرندگان وحیوانات زیبا انتخاب میشود .در تشبیه نیز مشبه‌بـه از میان موارد بالا برگزیده میشود. گاهی نیز از تلمیح برای سـاخت تصـاویر دلپسـند اسـتفاده میشود که میتوان آن را تشبیه تلمیحی نامید چراکه شاعر در آفرینش تصویر مورد نظـر بـه داستان یا حکایتی دور با ویژگی همانـنـدی نظـر دارد. در ایـن بخـش تـوان بـالای شـاعران موجب آفرینش تصاویری زیبا از شخصیت داستانی خواهد شد آنگونـه کـه تجسـم تصـاویر مورد نظر امکان پذیر خواهد بود .

یادداشتها

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: قاسم زاده ونیکوبخـت؛ درمقالـه "روانشناسـی رنـگ دراشعار سهراب سپهری" ،فصلنامه پژوهشهای ادبی: ش۲، پـاییز وزمسـتان ۱۳۸۲ : ص۱۴۶ وآیـت اللهی" رنگ در قرآن مجید"، دانشور،پاییز ۱۳۷۷، ش۲۱ : ۲-۳ وهمـو؛ "رنـگ"، کیهـان فرهنگـی، مرداد۱۳۷۷، ش۱۴۴: ۴۵

۲- در این زمینه ر.ک: نظـامی گنجـوی: ص۴۷۱/ ب ۵۵ و ص۴۹۱/ ب۳و۵ و ص۵۲۴/ ب۸۳ و ص۵۴۳/ ب۲۷ وص۵۵۸/ ب۲۲ و ص۵۶۲/ ب ۶۵ و ص۵۷۰/ ب ۲۱ و ص۵۷۲/ ب ۹ وص۴۹۵/ ب ۱۰۴ همچنین: امیرخسرو دهلوی: ص۶۷/ ب۲۶ و ص ۹۴/ ب۱ وص ۱۰۰/ ب۲۲ نیـز: جـامی: ص ۳۹۵/ ب۳۶۱۱ وص ۲۴۷/ ب۲۶۸ ومکتبی: ص۲۲۵/ ب۵

۳- در این زمینه ر.ک: خانیانی ووحیـدیان کامیـار؛ در مقالـه" رنـگ در شـعر معاصـر"، مجلـه دانشکده ادبیات وعلوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ش۱۴۳، زمستان ۱۳۸۲، ص۲۶ و قاسم زاده

www.SID.ir

Archive of SID

ونیکوبخت؛ درمقاله "روانشناسی رنگ دراشعار سهراب سپهری" ،فصلنامه پژوهشهای ادبی: ش۲، پاییز وزمستان ۱۳۸۲، ص۱۴۸ و وآیت اللهی" رنگ در قرآن مجید"، دانشور،پاییز ۱۳۷۷، ش۲۱، ص۴۶ و وهمو؛ "رنگ"، کیهان فرهنگی، مرداد۱۳۷۷، ش۱۴۴، ص۲

۴- در این زمینه ر.ک: ستاری: ۱۳۸۶، ص ۳۴-۵، پاورقی

۵- ر.ک: ص۲۴۷ ب۴۶۴و ص۲۷۵ ب۱۰۴۰ ، ص۲۵۰ ب، ۵۳۲ و ص ۳۳۴، ب۲۳۱۶، ص۳۹۲،ب۳۵۴۸، ص۲۶۴،ب۸۲۷، ص۲۶۰،ب۷۲۸، ص۳۹۵ ، ب۳۶۱۲ ، ص۳۷۵ ، ب۳۲۰۱، ص۲۷۸ ،ب ۱۱۱۷ ، ص۲۴۶ ، ب۴۳۳ ، ص۳۳۷، ب۲۳۹۲

۶-ص۳۵۱، ب۲۶۸۷، ص۳۵۱، ب۲۶۸۹، ص۳۵۷، ب۲۸۲۳، ص۳۵۸، ب۲۸۳۸-۲۸۳۹، ص۳۶۰، ب۲۸۷۷، ص۳۵۹ ، ب۲۸۷۰، ص۱۶۴ ، ب ۱۲، ص۲۴۴ ، ب۲ ، ص۲۵۳ ،ب۷، ص۱۷۳ ،ب۱۴، ص۱۷۴،ب۱، ص۲۲۵، ب۶، ص۲۳۱، ب۵، ص۲۳۱، ب۵، ص۱۴۹ ،ب۳

۷- ص۶۴ ،ب۲۴، ص۶۴ ، ب۲۶، ص۶۴،ب۲۷، ص۶۵، ب۱، ص۶۵ ،ب۲، ص۶۷، ب۲۶، ص۷۵ ، ب۲۳، ص،۸۳ ب۴، ص۶۵ ،ب۱۵

۸-ر.ک: ص۴۷۱ ،ب۶۱، ص۴۷۱، ب۶۴، ص۴۷۲ ،ب۱۴، ص۴۷۲ ،ب۷۴، ص۴۷۱،ب۵۵، ص۴۷۵ ،ب۲۹، ص۴۷۵،ب۳۰ ، ص۴۸۴ ،ب۴۱ ص، ۵۲۰ ،ب۸۴ ، ص۴۷۶ ،ب ۵۲ ، ص۴۷۶ ،ب ۶۵

۹- جـــــــــــــامی، ص۲۵۹، ب۷۲۴، ص۲۶۵ ،ب۸۳۶-۸۳۸، ص ۳۳، ب۲۳۰۵-۲۳۰۶، ص۳۳۹،ب۲۴۳۱، ص۳۴۱ ، ب۲۴۷۳ ، ص۳۶۰ ،ب۲۸۷۳

۱۰- ص ۳۵۱ ب۲۶۸۹و ص۳۷۵ ب ۳۲۰۲و ص۳۹۵ ب۳۶۱۲وص۲۵۹ ب ۷۲۳

۱۱- در این زمینه ر.ک: سمن/یاسمن/یاسمین: (نظامی): ص ۴۷۶ ب ۵۸و۶۳ وص ۴۹۳ ب ۶۱وص۴۹۵ ب ۱۰۴ وص۵۲۴ ب ۸۳ وص ۵۴۳ ب ۲۷ ، (جامی): ص ۳۳۶ ب۲۳۵۶ ، (امیرخسرو): ص ۸۴ ب ۲۴ ونـــرگس: (نظـــامی): ص ۵۱۷ ب ۱۱ وص ۵۴۳ ب۳۴ ، (مکتبـــی): ص ۲۲۵ ب ۷ و(امیرخســرو): ص ۹۷ ب ۱۹ وص ۱۰۰ ب ۲۲ و۱۰۱ ب ۲ و ارغـوان: (نظـامی): ص۵۷۱ ب ۱۳ و ریحان: (جامی): ص۳۳۶ ب ۷۲۱ ولاله: (جامی): ص ۲۷۵ ب ۱۰۴۴ و غنچـه: (امیرخسـرو): ص۶۶ ب۶ وص۹۶ ب ۲۳ گلبن نوشکفته/ گل نوشکفته/ بهارنوشکفته: (نظامی): ص ۴۷۶ ب ۵۸ وص ۴۷۶ ب۶۳ و (مکتبی): ص ۱۷۳، ب۱۳ وص۲۵۳ ب۷

۱۲.نظامی/ص۴۷۱/ب۵۷وص۴۹۱/ب۱۶وص۵۴۳/ب۳۱وامیرخسرو/ص۸۹/ب۶و۹وجامی/ص۲۴۶ /ب۲۴۹وص۲۵۹/ب۷۲۲وص۳۳۳/ب۲۳۰۵وص۳۵۱/ب۲۶۹۰وص۳۷۱/ب۳۱۱۰وص۳۸۶ب۳۴۳۶و ص۲۸۴/ب۱۲۴۱وص۳۶۶/ ب۳۰۰۲وص۳۴۴/ب۵۲۴۵

۱۳-جـــامی/ص۲۴۶/ب۴۴۵وص۳۲۲/ب۲۰۶۲ امیرخســـرو/ص۶۵/ب/۲ وص۹۸/ب/۱۰و۲۵و نظامی/ص ۴۹۱/ ب۲۳وص۴۹۳/ب ۶۶ وص ۴۹۵/ب۱۲۱

www.SID.ir

Archive of SID

۱۴- نظـــــامی/ص۴۷۱ ب۵۵و۵۸وص ۴۷۴ [۱۳] ب۱۱وص ۴۷۵ ب ۳۳وجـــــامی/ ص۳۳۴ ب۲۳۲۲وص ۳۳۶ ب۲۳۷۱و ص ۳۳۷ ب۲۳۸۳ ومکتبـــی/ ص ۱۴۸ ب ۹وص ۱۴۹ ب۳ وص ۱۶۸ ب۵ و امیرخسرو/ ص ۶۴ ب۲۴وص ۷۵ ب ۱۷ وص ۶۸ ب ۱

۱۵- امیرخسرو/ ص ۶۵ ب۳وص ۹۷ ب۱۴ وص۷۴ ب ۲۳ و مکتبی/ ص ۲۵۳ ب۷ وجامی/ ص ۲۵۰ ب۵۳۲و ص۳۳۴ ب۲۳۱۶ وص۳۹۲ ب ۳۵۴۸) ونظـــــــامی/ ص ۴۷۹ ب۱۲وص۴۷۶ ب ۵۰ وص۴۹۱ ب ۲و۵

۱۶- نظامی/ ص۴۹۲ ب۲۵و ص۴۹۳ ب۵۷ وص ۵۶۲ ب۴۹ وص۵۷۲ ب۸۷ ومکتبی/ ص ۱۴۸ ب۱ وص۲۳۱ ب ۲ و جامی/ ص۲۴۶ ب۴۵۰ وص ۲۵۱ ب ۵۵۰ وص ۲۸۵ ب ۱۲۶۶ وامیرخسـرو/ ص ۹۲ ب۱۷

۱۷- نظـــامی/ص۴۷۷ب۱۷ وجـــامی/ص۳۳۷ب۲۳۸۷وص۳۳۹ ب۲۴۴۱وص ۳۱۶ ب ۱۹۳۶ ومکتبی/ ص ۱۷۱ ب ۱۳

۱۸- ص۳۳۴ ب ۲۳۲۲ و ص۲۴۶ ب ۴۴۵ و۴۴۸ وص۲۴۷ ب ۴۶۳ وص ۲۵۱ ب ۵۵۰ و ص۲۵۹ ب ۷۲۱)

۱۹- غنچه ص ۶۶ب۶، گل ص ۷۵ب ۲۵، پری ص ۹۱ ب۲۲، شمع ص ۹۸ ب۱۷

۲۰- ص ۴۷۱ ب ۶۱، ص ۴۷۵ب۳۱، ص۴۷۸ ب۳۱ ، ص۴۹۱ ب۱۵، ص ۵۶۲ ب۵۲

۲۱- ص ۱۸۰ ب ۶، ص ۲۲۵ ب ۴و۱۶، ص ۲۲۵ ب ۷، ص۱۴۷ ب ۱۵

۲۲- ص ۲۵۹ ب۷۲۳و۷۲۴وص۳۳۳ ب ۲۳۰۶ وص۳۴۱ ب ۲۴۷۳ و ۳۹۲ ب ۳۵۴۸ و ص ۲۷۸ ب ۱۱۱۸ وص ۳۳۳ ب ۲۳۰۵ وص ۳۳۹ ب ۲۴۳۱

۲۳- ص ۶۴ ب۲۷ وص۶۸ ب۱۲ و ص۸۳ ب ۱۵ وص۹۶ب ۱۶ وص۹۱ ب ۲۲

۲۴- دکتر شمیسا ذیل اضافه تشبیهی بحثی با نام اضافه تلمیحی دارد و در آن به ایـن نکتـه اشاره میکند که نوعی اضافه تشبیهی است که فهم وجه شبه آن موقوف به آشنایی با داستانی باشد. ومثال مصر عزت را در بیت" همچو یوسف بگـذر از زنـدان وچـاه / تاشـوی در مصـر عـزت پادشـاه (منطق الطیر عطار) بکار میگیرد(ر.ک: بیان ومعانی؛ ۱۳۷۵ : ۴۶) در این مقاله بـا توجـه بـه اینکـه برخی از تشبیهات مورد بحث صورت اضافی ندارد اما علاوه بر اشاره به داسـتان یاحکـایتی دور، بـه توصیف قهرمان – زن پرداخته است لذا از "تشبیه تلمیحی" برای نامگذاری آن استفاده میکنیم.

۲۵- برای مطالعـه بیشـتر در ایـن زمینـه ر.ک: ص۶۷ ب۲۶ وص۶۵ب۲وص۸۰ب۱۳ وص ۸۹ ب۲۴ وص۹۱ ب۲۲و ص۹۲ ب۱وص ۹۸ ب۱۰ و۲۵و ۲۴ وص۱۰۰ ب۱۸ و۱۹وص۱۰۱ ب۵ وص۱۰۴ ب۲۱و۲۳و۲۶ وص۹۷ ب۱۹

۲۶- ر.ک:ص۴۹۱ ب۵و ۱۸ و ص۴۷۶ ب۵۴ وص ۴۷۵ ب۳۱ وص ۵۴۸ ب۱۴ وص۴۹۴ ب۹۷ و۱۰۳ وص ۵۵۷ ب۱ وص۵۶۲ ب۵۱و۵۲ و۵۰و۵۵وص ۵۷۲ ب۸۶ وص۵۷۳ ب۹۴

۲۷- در این زمینه ر.ک: ص۱۴۷ ب۱۵ وص۱۷۴ب۱ وص۱۷۳ ب۱۵و۱۳ وص۱۸۰ب۶

www.SID.ir

Archive of SID

۲۸- در ایـــــن زمینـــــــه ر.ک: ص۲۴۶ ب۴۴۵و۴۴۸ ص۳۲۲ ب۲۰۶۲ و۲۰۷۰ وص ۲۴۷ ب۴۵۳و۴۶۳ وص۲۵۴ ب۶۱۳و۲۷۵ ب۱۰۵۳ وص۲۵۸ ب۶۶۹ وص۲۵۹ ب۷۲۳ وص۲۶۵ ب۸۳۸ وص۳۵۱ ب۲۶۹۰وب۲۶۹۰ و ص۳۷۱ ب۳۱۱۰ وص ۳۵۸ ب۲۸۳۸وص ۳۶۰ ب۲۸۷۳وص۳۶۲ ب۲۹۲۵ و ص۳۹۲ ب۳۵۴۸

فهرست منابع :

۱- اوستا: ۱۳۷۲ چاپ هشتم، به کوشش جلیل دوستخواه، تهران، مروارید

۲- کتاب مقدس(بی تا)، انجمن پخش کتب مقدسه در میان ملل، (بی جا)

۳- آیت اللهی، حبیب الله: مردادماه ۱۳۷۷، در مقاله رنگ، کیهان فرهنگی، ش۱۴۴

۴- ـــــــــــ وحکیمه گوهریان؛ پائیز۱۳۷۷درمقاله رنگ درقـرآن مجیـد، مجلـه دانشگاه شاهد، ش۲۱،

۵- بندهش هندی: ۱۳۶۸ ، چاپ اول، تصحیح وترجمه رقیه بهزادی تهـران، موسسـه مطالعات وتحقیقات فرهنگی

۶- جامی، نورالدین عبدالرحمان: ۱۳۷۸ هفت اورنگ، (۲جلـد)، چـاپ اول ، تصـحیح اعلاخان افصح زاد وحسین احمد تربیت ، تهران ، دفتر نشر میراث مکتوب

۷- خانیانی، علی اکبر سام و وحیدیان کامیار، تقـی؛ زمسـتان ۱۳۸۲ درمقالـه رنـگ درشعر معاصر، مجله دانشکده ادبیات وعلوم انسانی مشهد ، ش۱۴۳

۸- خلف تبریزی، محمد حسین: ۱۳۷۶، برهان قاطع، چاپ ششم، به کوشـش محمـد معین، تهران، امیرکبیر

۹- دوبوکور، مونیک: ۱۳۷۶ رمزهای زنده جان، چاپ دوم، تهران، مرکز

۱۰- دهلوی، امیرخسرو: ۱۹۶۴ مجنون ولیلی؛ آذربایجان، مسکو

۱۱- دی وتایلور، جاناتان ولسلی: ۱۳۸۵ روانشناسی رنگ(رنـگ درمـانی)، چـاپ اول، ترجمه مهدی گنجی، ساوالان، تهران

۱۲-رامپوری، غیاث الدین محمد بن جلال الدین بن شرف الدین: ۱۳۷۵، غیاث اللغات، چاپ دوم، به کوشش منصور ثروت، تهران، امیرکبیر

۱۳- ستاری، جلال: ۱۳۸۶ مدخلی بر رمزشناسی عرفانی، چاپ سوم، تهران، مرکز

۱۴- شمیسا، سیروس؛۱۳۷۵ بیان ومعانی، چاپ دوم، تهران، فردوس

۱۵- فردوسی، ابوالقاسم؛۱۳۸۲ شاهنامه،چاپ ششم، بـه کوشـش سـعید حمیـدیان، (براساس چاپ مسکو)، تهران، قطره

www.SID.ir

Archive of SID

۱۶- قاسم زاده،..... ونیکوبخت، ناصر؛ پائیز وزمستان ۱۳۸۲ درمقاله روانشناسی رنگ در اشعار سهراب سپهری، فصلنامه پژوهشهای ادبی، ش۲

۱۷- کرتیس، وستا سرخوش؛ ۱۳۸۶اسطوره های ایرانی، چاپ ششم، ترجمه عباس مخبر، تهران، مرکز

۱۸- کویاجی، جهانگیر؛۱۳۸۲ آیینها وافسانه‌های ایران وچین باستان، چاپ چهارم، ترجمه جلیل دوستخواه، تهرا، انتشارات علمی وفرهنگی

۱۹- لوشر، ماکس؛ ۱۳۷۰روانشناسی رنگها چاپ دوم، ترجمه ویدا ابی زاده،(بی جا)، جمال الحق

۲۰- مکتبی شیرازی: لیلی ومجنون ،۱۳۴۳(تاریخ مقدمه)،تصحیح اسماعیل اشرف، شیراز، محمدی

۲۱- نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف؛ ۱۳۷۴کلیات خمسه، چاپ اول، به کوشش وحید دستگردی، تهران، راد

۲۲- هارتمن، تیلور؛۱۳۸۶ روانشناسی رنگ شخصیت،چاپ؟، ترجمه جلیل فاروقی هندوالان وسعید مظلومیان، مشهد، نی نگار: مرندیز

۲۳- هنری هوک، ساموئل؛۱۳۸۱ اساطیر خاورمیانه، چاپ سوم، ترجمه ع.ا.بهرامی و فرنگیس مزداپور، تهران، روشنگران ومطالعات زنان

۲۴- یونگ، گوستاو؛۱۳۸۳ انسان وسمبلهایش، چاپ چهارم، ترجمه محمود سلطانیه، تهران، جامی

www.SID.ir